

## تأثیر حاکمیت شرکتی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی با تأکید بر کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۰۴

کد مقاله: ۷۹۶۹۳

عزیزاله مرادی<sup>۱\*</sup>، شهین پورعلی<sup>۲</sup>

### چکیده

این مطالعه به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی با تأکید بر کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. در این تحقیق از معیار دوره تصدی حسابرسان بعنوان مبنایی برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی استفاده شده است. متغیرهای به کار رفته در این پژوهش از گزارش‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۸-۱۳۸۶ با نرم افزار اکسل ۲۰۱۰ محاسبه و داده‌های ۱۵۲ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۸۸ با استفاده از نرم افزار اس پی اس اس و روش برآورد پنل دیتا در مدل‌های رگرسیونی لجیت لجستیک تجزیه و تحلیل شده است. نتایج علمی پژوهشی نشان می‌دهد که بین مالکیت نهادی، مالکیت متمرکز، اندازه هیات مدیره و استقلال هیات مدیره با تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه معنی دار مشاهده نگردید. همچنین کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین مالکیت نهادی و تجدید ارائه صورت‌های مالی، مالکیت متمرکز و تجدید ارائه صورت‌های مالی، اندازه هیات مدیره و تجدید ارائه صورت‌های مالی، استقلال هیات مدیره و تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه معنی دار مشاهده نگردید.

**واژگان کلیدی:** تجدید ارائه صورت‌های مالی، تمرکز مالکیت، مالکیت نهادی، اندازه هیات مدیره، استقلال هیئت مدیره، کیفیت حسابرسی

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حسابداری، عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان (مسئول مکاتبات)

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند

## ۱- مقدمه

در سالهای اخیر، تجدید ارائه صورت‌های مالی بین شرکت‌های ایرانی بسیار رایج شده است به گونه‌ای که از تعدیلات سنواتی به عنوان یکی از عناصر نسبتاً پایدار در گردش حساب سود و زیان انباشته یاد می‌شود. این تعدیلات عمدتاً به دلیل اصلاح اشتباهات دوره گذشته است و موارد مربوط به تغییر روش‌های حسابداری کمتر مشاهده می‌شود. از طرفی تجدید ارائه صورت‌های مالی بر قابلیت اتکاپذیری و توان اعتماد به ارقام ارائه شده در صورت‌های مالی بویژه رقم سود تأثیر دارد. یکی از مهمترین ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری، اتکاپذیری آن است. همچنین طبق مفاهیم نظری گزارشگری مالی، اطلاعاتی اتکاپذیر است که از اشتباه و تمایلات جانبدارانه خالی باشد. تحقیقاتی که پیشتر در ایران انجام گرفته است نشان می‌دهد که درصد بالایی از شرکت‌های ایرانی به دلیل اصلاح اشتباهات حسابداری، صورت‌های مالی را تجدید ارائه و رقمی که تحت عنوان تعدیلات سنواتی گزارش می‌شود، نشان می‌دهد که این امر اطلاعات حسابداری شرکت‌ها را از نظر ویژگی عاری از اشتباه بودن مورد تردید قرار می‌دهد. (کردستانی و همکاران، ۱۳۸۹). تعدیلات سنواتی و تجدید ارائه صورت‌های مالی دوره‌های قبل، پیامدهای منفی متعددی را به همراه دارد. رقم سود خالص، مبنای محاسبه مواردی نظیر پاداش هیات مدیره، مالیات و سود تقسیمی به سهامداران است. علاوه بر این، سود هر سهم و نسبت قیمت به سود هر سهم از جمله شاخص‌هایی است که مورد استفاده تحلیل‌گران و سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرد. در نتیجه ارائه نادرست سود، و اصلاح آن در دوره‌های بعد، یعنی پس از گرفتن تصمیم‌های مربوط، آثار اقتصادی و مالی برای افراد مختلف خواهد داشت. (روتن استاین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). یکی دیگر از پیامدهای منفی تعدیلات سنواتی، اثر آن بر اعتبار حساب‌برسان است. هدف حسابرسی اعتباربخشی به صورت‌های مالی است و زمانی که صورت‌های مالی حسابرسی شده دوره‌های گذشته به دلیل اشتباهات حسابداری قابل توجه بارها تجدید ارائه شود، اعتماد جامعه نسبت به اظهارنظر حساب‌برسان کاهش می‌یابد. (آبوت و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). برای درک انگیزه‌های احتمالی مدیریت شرکت‌ها از ارائه نادرست ارقام حسابداری و اصلاح آن در دوره‌های آینده، باید به عواملی توجه کرد که این گونه عمل را توجیه کند. تحقیقات انجام شده در زمینه گزارشگری متقلبانانه، انگیزه‌های مختلفی را برای چنین اقداماتی برشمرده‌اند. البته باید به یاد داشت که تجدید ارائه صورت‌های مالی همواره نشانه تقلب نیست و در طیفی از اصلاح اشتباهات سهوی تا گزارشگری متقلبانانه قرار می‌گیرد؛ اما بسادگی می‌تواند به عنوان سرپوشی برای رفتارهای متقلبانانه مدیریت به کار رود. (اسرینواسان<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵). در این پژوهش به این سوال پاسخ داده می‌شود که تاثیر حاکمیت شرکتی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران چگونه است؟ نقش کیفیت حسابرسی در این ارتباط چگونه است؟

## ۲- حاکمیت شرکتی

حاکمیت شرکتی یک مجموعه روابطی است بین سهامداران، مدیران و حساب‌برسان شرکت که متضمن برقراری نظام کنترلی به منظور رعایت حقوق سهامداران جزء و اجرای درست مصوبات مجمع و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی می‌باشد. این قانون که بر نظام پاسخگوئی و مسئولیت اجتماعی استوار است مجموعه‌ای از وظایف و مسئولیتهایی است که باید توسط ارکان شرکت صورت گیرد تا موجب پاسخگوئی و شفافیت گردد (دوانی، ۱۳۸۸). حاکمیت شرکتی، موضوعی چند بعدی است. یکی از درونمایه‌های مهم در حاکمیت شرکتی با حسابداری و مدیریت مالی سروکار دارد و به گونه اصولی از به کارگیری سیاست‌ها و مکانیزم‌هایی حمایت می‌کند که از رفتار درست اطمینان حاصل کرده، سهامداران را پشتیبانی کند. یک عنصر اصلی دیگر، دیدگاه کارایی اقتصادی است که سیستم حاکمیت شرکتی از راه آن باید هدفهای اقتصادی را با در نظر گرفتن دقیق ثروت سهامداران، بهبود بخشد. دیدگاه‌های دیگری هم در زمینه حاکمیت شرکتی وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به دیدگاه ذی‌نفعان اشاره کرد که حسابرسی و توجه بیشتری را به ذی‌نفعان طلب می‌کند (سیناقدس، ۱۳۸۸). موسوی و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی ارتباط بین خطاهای سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیریت و ساختار حاکمیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. در این مطالعه رابطه بین خطاهای سود پیش‌بینی شده توسط مدیریت با ساختار حاکمیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی شده است. صالبنیا و همکاران (۱۳۹۰) بررسی رابطه بین ساز و کارهای حاکمیت شرکتی با میزان ثروت ایجاد شده برای سهامداران را مورد مطالعه قرار داده است. این تحقیق برای فراهم آوردن شواهدی در ارتباط با تاثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر میزان ثروت ایجاد شده برای سهامداران، صورت پذیرفته است.

1 Rotenstein

2 Abbott, Parker &amp; Peters

3 Srinivasan

### ۳- حرفه حسابرسی

یک تعریف متداول از کیفیت حسابرسی به وسیله دی آنجلو (۱۹۸۱) ارائه شده است. او کیفیت حسابرسی را ارزیابی و استنباط بازار از احتمال توانایی حسابرس در کشف تحریف‌های با اهمیت در صورت‌های مالی و یا سیستم حسابداری صاحبکار و گزارش تحریف‌های با اهمیت کشف شده، تعریف کرده است. احتمال اینکه حسابرس تحریف‌های با اهمیت را کشف کند، به شایستگی حسابرس و احتمال اینکه حسابرس تحریف‌های با اهمیت کشف شده را گزارش کند، به عنوان استقلال حسابرس تعبیر شده است. با وجود این که تعریف دی آنجلو برای حسابرسی صورت‌های مالی مناسب است، اما می‌تواند سایر انواع حسابرسی‌ها را نیز در بر گیرد (حساس یگانه و آذینفر، ۱۳۸۹). آقای و کوچکی (۱۳۷۴) معتقدند، کیفیت کار موسسه‌های حسابرسی متفاوت است و بطور مستقیم نمی‌توان با مشاهده موسسه‌ها تشخیص داد که کدام موسسه از کیفیت کاری بالاتری برخوردار است. مطالعات انجام شده نشان می‌دهند، اندازه، قدمت، شهرت و نام تجاری موسسه‌های حسابرسی می‌تواند معیارهای متمایزکننده کیفیت حسابرسی باشند. جول، جاب و هاگتون<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) در تحقیق خود برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی علاوه بر اندازه موسسه حسابرسی از تخصص موسسه حسابرسی در صنعت صاحبکار نیز استفاده کردند. آنان معتقد بودند موسسه‌های حسابرسی که در صنعت صاحبکار تخصص داشته باشند، با کیفیت بیشتری به حسابرسی آن می‌پردازند. فرگوسن و استاکس<sup>۲</sup> (۲۰۰۲)، نیز در تحقیق خود از تخصص حسابرس در صنعت صاحبکار برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی استفاده کردند. داداشی (۱۳۸۸) به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر تصمیمات حسابرسان درباره ریسک و برنامه‌ریزی پرداخته است. این پژوهش، تأثیر برخی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی را بر تصمیمات حسابرسان مستقل، مورد بررسی قرار داده است. هدف از انجام این تحقیق، تعیین تأثیر مکانیزم‌های حاکمیتی همچون ساختار هیات‌مدیره شرکت، حسابرسی داخلی (مکانیزم‌های نظارتی درون‌سازمانی حاکمیت شرکتی)، سهامدار عمده و سرمایه‌گذاران نهادی (مکانیزم‌های نظارتی برون‌سازمانی حاکمیت شرکتی) بر روی تصمیمات و برنامه‌ریزی‌های حسابرسان مستقل همچون ارزیابی ریسک ذاتی، ریسک کنترل، میزان و زمان‌بندی آزمون‌های محتوا بوده است.

### ۴- تجدید ارائه صورتهای مالی

تجدید ارائه صورت‌های مالی یعنی ارقام صورت‌های مالی سال قبل یا سال‌های قبل به دلیل تغییرات در مانده ارقام یا به دلیل تغییر در طبقه بندی مجدداً ارائه شود. تجدید ارائه بستگی به ارقام مقایسه‌ای که در صورت‌های مالی می‌گذاریم دارد. یعنی اگر صورت‌های مالی دو ساله باشد، سال قبل تجدید ارائه می‌شود اما اگر ارقام ۳ سال در صورت‌های مالی وجود داشته باشد باید ۲ سال قبل تجدید ارائه شود. عموماً ارقام صورت‌های مالی سالانه که شرکت‌ها تهیه می‌کنند دو ساله است. ارقام صورت‌های مالی میان دوره‌ای عموماً شامل ارقام دوره مالی جاری، ارقام دوره مالی قبل و ارقام سال مالی قبل می‌باشد. تجدید ارائه در ارقام مقایسه‌ای صورت‌های مالی سال یا دوره جاری انجام می‌پذیرد نه در صورت‌های مالی همان دوره. چون عموماً صورت‌های مالی همان دوره حسابرسی شده و پرونده آن‌ها بسته شده است. به تعبیری می‌توان گفت وجود تعدیلات سنواتی و تجدید ارائه در صورت‌های مالی به جز مواردی مثل مالیات عملکرد و ... که عموماً ذخیره مالیات در نظر گرفته شده شرکت با مالیات عملکرد نهایی قطعی تطبیق ندارد و در همه شرکت‌ها چنین موضوعی طبیعی است، نشان از وجود اشتباه یا تغییر روش اساسی که آثار مالی با اهمیتی داشته است، می‌باشد. نشانه تجدید ارائه شدن صورت‌های مالی، تطبیق سود انباشته ابتدای دوره تعدیل شده در ارقام سال یا دوره جاری با سود انباشته پایان دوره سال یا دوره قبل (در ارقام مقایسه‌ای) می‌باشد. البته باید توجه کرد که این تطبیق در صورت‌های مالی میان دوره‌ای تنها بین ارقام دوره جاری و سال قبل مشاهده می‌شود و بین ارقام دوره جاری و دوره قبل چنین تطبیقی وجود ندارد، چرا که مانده سود و زیان انباشته سال مالی قبل به ابتدای دوره سال مالی جاری آمده است. قاسم بولو و دیگران (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان تغییر حسابرس مستقل و شفافیت اطلاعاتی به این نتیجه رسیدند که تغییر حسابرس باعث افزایش در میانگین تعدیلات سنواتی شرکت‌ها در سال تغییر نسبت به سال قبل از تغییر نشده است. از این رو به عدم بهبود در میزان تعدیلات سنواتی بعد از تغییر حسابرس مستقل شرکت رسیدند. لازم به ذکر است با توجه به مقایسه میانگین تعدیلات سنواتی سال تغییر و سال قبل از تغییر نسبت به دو سال قبل از تغییر نیز به کاهش میانگین تعدیلات سنواتی پی بردند که می‌تواند نشان دهنده عدم تلاش حسابرس از این بابت برای افشای بهتر اطلاعات مالی صاحبکار در سال پایانی دوره تصدی خود باشد. قنبری (۱۳۸۶) اثر حضور اعضای غیر موظف، شفافیت اطلاعاتی، وجود حسابرسی داخلی و حضور سهامداران نهادی را به عنوان معیارهایی از حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان می‌دهد که فقط وجود سهامداران نهادی و حسابرسی داخلی بر عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد. رهبری خرازی (۱۳۸۴) با بررسی وضعیت حاکمیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده

1 - Johl, Jubb and Houghton

2 - Ferguson and Stokes

در بورس اوراق بهادار ایران و مقایسه آن با کشورهای جهان، میزان رعایت حقوق سهامداران را مورد مطالعه قرار داده است. نتایج حاکی از آن است که حقوق سهامداران در ایران رعایت نمی شود.

## ۵- رابطه حاکمیت شرکتی و نقش نظارتی حسابرس

در تصدیق قابلیت اعتبار اطلاعات حسابداری فراهم شده توسط مدیریت، حسابرسی‌های مستقل نقش نظارتی خارجی را به نفع سهامداران ایفا می‌کنند و مولفه ضروری محسوب می‌شوند. با این وجود، استفاده از خدمات حسابرسی به کیفیت حسابرسی بستگی دارد. مطالعات قبلی نشان داده‌اند که شرکت‌های با هزینه‌های بالا تمایل به انتخاب حسابرس با کیفیت بالا را دارند تا نظارت شرکت‌شان را بالا برده و مشکلات بالقوه را کاهش دهند. به همین صورت، حسابرسان با کیفیت پایین، قادر نیستند نظارت موثری بر فرآیند گزارش مالی مشتریان داشته باشند و بنابراین کیفیت حسابرسی‌های مستقل به طور مستقیم بر عملکرد شرکت اثر خواهد گذاشت. همیشه بین به خدمت گرفتن یک حسابرس درجه بالا جهت بهبود حاکمیت شرکت و گرفتن یک حسابرس درجه پایین جهت حفظ منافع مهم حاصل از مکانیسم ضعیف حاکمیت شرکتی رابطه مستقیم وجود دارد. تحقیقات تجربی نشان می‌دهند که تقاضا برای حسابرسی به عنوان وسیله نظارت شرکت در ایالت متحده و بریتانیا، تابعی از کیفیت حسابرسی بوده و این تضمین توسط حسابرسان انجام می‌شود. وارفیلد و اشبوک<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) پیشنهاد می‌کنند از آنجاکه سهامداران اطلاعات مالی قابل اعتماد را می‌خواهند، حسابرسی مستقل، نقش نظارتی را به عنوان وسیله نظارتی مهم ایفا می‌کند بنابراین حسابرسی مستقل مولفه مهمی در حاکمیت شرکتی می‌باشد و رابطه مثبتی بین حاکمیت شرکتی و اعتبار گزارشات مالی وجود دارد. از آنجا که حسابرسان با کیفیت بالا مستقل‌تر بوده و با تخصص صنعتی بهتری مجهز می‌شوند، احتمالاً آنها اشتباهات یا بی‌نظمی‌های صورت‌های مالی را کشف کرده و بنابراین به عنوان یک وسیله نظارتی موثر جهت کم کردن مشکلات نمایندگی عمل می‌کنند. در سال‌های اخیر، حسابرسی تحول یافته تا نقش فعال‌تری را در حاکمیت شرکتی در اقتصاد توسعه یافته ایفا کنند. دوئلت و کوپلی<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) بیان داشتند که تمرکز مالکیت بالا، اثر معکوسی روی حاکمیت شرکتی دارد. مالکیت متمرکز، پیچیدگی‌های تئوری نمایندگی را القا می‌کند. تمرکز مالکیت بالا، باعث می‌شود تا معاملات انجام شده توسط مالکان، توسط ارکان اجرایی شرکت و بازارهای مالکیت به چالش کشیده نشود. علاوه بر این، با تمرکز مالکیت بالا، احتمالاً گزارشات مالی شرکت به دلیل محرک‌های کنترلی برای انتخاب سهامداران، با ابهام مواجه می‌شود. در کل، شرکت‌ها احتمالاً وقتی که مشکلات شدیدتری داشته باشند حسابرسان بزرگ‌تری را استفاده می‌کنند. با استفاده از یک نمونه وسیع از اقتصاد آسیای شرقی، فان و ونگ<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) نشان دادند شرکت‌های که دارای پیچیدگی‌های (گسترده‌تری) کارگزاری در ساختارهای مالکیت خود هستند احتمالاً از حسابرسان بزرگتر استفاده می‌کنند. این مالکان معتقدند انتخاب یک حسابرس با کیفیت بالا نشانه حاکمیت خوب بوده و گزارشات مالی معتبر به سهامداران و سایر سرمایه‌گذاران ارایه می‌دهد.

حسابرسی موثر تنها زمانی انجام می‌شود که منافع آن از هزینه‌های آن مهمتر گردد. حسابرسان با کیفیت بالا در ارایه خدمات ممکن است از توانایی کنترل مالکان جهت دستکاری منافع خصوصی جلوگیری کنند. بنابراین، مالکان ممکن است به انتخاب حسابرس با کیفیت بالا بی‌میل باشند یا حتی ممکن است حسابرس با درجه پایین را انتخاب کنند تا میزان نظارت بیرون‌سازمانی را کاهش دهند. ابهام در فرآیند گزارش‌های مالی به حفظ منافع خصوصی آنها (مالکان) کمک می‌کند حتی به ضرر سهامداران اقلیت. مکانیسم حاکمیت درونی در داخل یک شرکت شامل انواع مختلفی از کارهای سازمانی یا اقداماتی است که قدرت و مسولیت را در میان سهامداران شرکت، مجریان، مدیریت و کارمندان یا مجریان غیراجرایی مستقل و کمیته حسابرسی و رئیس هیات مدیره و مدیرعامل در تعیین اثربخشی مکانیسم حاکمیت درونی اهمیت زیادی دارند (لیو و سان<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵).

ساختارهای مالکیت بر حاکمیت شرکت اثرگذار هستند. فاما و جنسن<sup>۵</sup> (۱۹۸۳) بیان می‌دارند که شرکت‌ها با پیچیدگی کارگزاری بزرگتری مواجه هستند زیرا کنترل سهامداران اقلیت اثر عمده‌ای روی شرکت دارد و برای آنها مسیر نظارت سایر سهامداران آسان خواهد بود. منافع کنترل خصوصی در صورت ظهور احتمالاً مداخلات خارجی را توسط سهامداران اقلیت یا تنظیم‌کننده‌های بازار بوجود می‌آورد. تمایل به حداکثر کردن سود از طریق مدیریت سود ممکن است سبب شود شرکت‌ها از نظارت حسابرسان با کیفیت بالا خودداری کنند. طبق مطالعات قبلی، تقاضا برای کیفیت حسابرسی رابطه معکوس با ساختار مالکیت دارد. هرچه ساختار مالکیت متمرکزتر باشد، حاکمیت درونی ضعیف‌تر شده و از این رو منافع مهم‌تری برای سهامداران وجود خواهد داشت. همچنین سهامداران بزرگ وضعیت تک‌قطبی دارند و بنابراین آنها به آسانی می‌توانند معرفی و ملاقات رهبران و مدیران

1 Warfield and Ashbogh

2 Douthelt and Copley

3 Fan and Wong

4. Lio & Sun

5 Fama and Jensen

ارشد را کنترل کنند که شامل انتخاب حسابرسان نیز می‌شود. از این رو شرکت با سهامداران بزرگ (مالکیت متمرکز) احتمالاً حسابرسان درجه پایین‌تر را انتخاب می‌کند تا منافع مبهم حاصل از حاکمیت درونی ضعیف را حفظ نماید. بنابراین شرکتها با حاکمیت شرکتی ضعیف احتمالاً یک حسابرسان درجه پایین را انتخاب می‌کنند زیرا آنها می‌خواهند از منافع خود حفاظت کنند (لاپورتا<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۹۹). برخی مطالعات به طور تجربی نشان دادند که یک شرکت با حاکمیت ضعیف تمایل زیادی برای یکی شدن مدیر عامل و رئیس هیات مدیره دارند. به طور سنتی، در شرکت‌های آمریکایی، یک شخص مدیرعامل و رئیس هیات مدیره می‌باشد. در بیشتر شرکت‌های اروپایی و کانادایی تفکیک این دو موقعیت برای تضمین حاکمیت شرکتی الزامی است (حفظ یک توازن قدرت بین این دو سمت اصلی). این امر شفافیت اندک عملکرد مدیرعامل را مجاز می‌کند طوری که عملکرد این شخص می‌تواند غیرنظارتی شود. از آنجا که مدیرعامل اثر غالبی در جلسات هیات مدیره دارد بطوریکه وی به عنوان رئیس هیات مدیره کار می‌کند و گانگی این دو سمت ممکن است منجر به رسوایی و گسستگی شود در نتیجه فقدان کنترل درونی برای این دو سمت قدرتمند در پروسه تصمیم‌گیری شرکت شود (لیو و سان، ۲۰۰۵). شارما<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) رابطه مثبتی را بین دوگانگی این دو موقعیت و کلاهبرداری شرکت در یک شرکت استرالیایی پیدا کرد. وقتیکه رئیس هیئت مدیره، سمت مدیرعامل را نداشته باشد، وی قادر خواهد بود تا شرکت را در روش بی‌طرفانه اداره کند و بنابراین نقش نظارتی مکانیسم حاکمیت شرکتی افزایش می‌یابد. در نهایت، در صورت یکی بودن مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره حاکمیت شرکتی ضعیف خواهد بود و ممکن است منجر به شفافیت کمتر، مکانیسم نظارتی ضعیف درون یک شرکت شود.

## ۶- فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: حاکمیت شرکتی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی تاثیر دارد.  
فرضیه دوم: کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین حاکمیت و تجدید ارائه صورت‌های مالی تاثیر دارد.

## ۷- روش تحقیق

جامعه آماری تحقیق، کلیه شرکت‌های غیرمالی پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ می‌باشد. نمونه‌های مورد مطالعه در این تحقیق با توجه به معیارهای زیرانتخاب شده است. شرکت‌های غیرتولیدی نباشند. به دلیل تفاوت در ماهیت عملکردی شرکت‌های تولیدی از سایرین، شرکت‌های بیمه، سرمایه‌گذاری، هلدینگ، بانکها، واسطه‌گری‌های مالی، از دامنه تحقیق کنار گذاشته می‌شوند. دوره مالی گزارشگری شرکت‌های نمونه منتهی به ۱۳۰۹/۱۲/۱۳ هر سال باشد. در طی دوره تحقیق عدم تغییر در دوره مالی داشته باشند. وقفه معاملاتی بیش از ۶ ماه نداشته باشند. اطلاعات در دسترس و کامل باشند. ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در طی بازه زمانی تحقیق، منفی نباشد. تغییر سال مالی شرکتها در بازه زمانی پژوهش اتفاق نیفتاده باشد. در طی دوره زمانی ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۸ عضو بورس اوراق بهادار تهران باشند. داده‌های اطلاعاتی مرتبط با ساختار سرمایه و نقدشوندگی از سامانه معاملاتی و نظارتی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران که شامل نرم افزارهای "تدبیرپرداز" و "ره‌آورد نوین" می‌باشد، استخراج شده است. استفاده از نرم افزار: برای محاسبه متغیرها و پردازش آنها از نرم افزار صفحه گسترده اکسل ۲۰۱۰ و نرم spss کمک گرفته شده است. اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از طریق پایگاه تخصصی کدال و کتابخانه بورس تهران با استفاده از نرم افزارهای ره‌آورد نوین و تدبیر پرداز جمع‌آوری شده سپس داده‌ها و متغیرهای مورد نظر با استفاده از نرم افزار مایکروسافت اکسل نسخه ۲۰۱۹ محاسبه شده و پس از انتقال این متغیرها به نرم افزار spss با توجه به مدل‌های رگرسیونی مربوطه نسبت به تجزیه و تحلیل و برازش مدل‌ها به منظور تأیید یا رد فرضیه‌های علمی پژوهشی در روش‌های برآورد پنل دیتا اقدام شده است.

## ۸- معرفی متغیرها و نحوه محاسبه آن‌ها

متغیرهای تحقیق به شرح جدول ذیل می‌باشند:

نوع متغیر	متغیرهای پژوهش	نماد
مستقل	مالکیت نهادی	INOW
	مالکیت متمرکز	COOW
	اندازه هیات مدیره	Bsize
	استقلال هیات مدیره	IND

1 La Porta  
2 Sharma

نوع متغیر	متغیرهای پژوهش	نماد
تعدیل کننده	کیفیت حسابرسی	AQ
وابسته	تجدید ارائه صورتهای مالی	REST
کنترل	تغییر حسابرِس	AUCH
	رشد فروش	SG
	اهرم مالی	LEV
	نسبت سود سهام پرداختی	DIV
	جریان نقد آزاد	FCF
	حاشیه فروش	MAR

### الف- متغیرهای مستقل (توضیحی)

متغیرهای مستقل مورد استفاده در مدل رگرسیونی این تحقیق شامل هر یک از موارد زیر می‌باشد. متغیرهای مستقل شامل: مالکیت نهادی، مالکیت متمرکز، اندازه هیات مدیره، استقلال هیات مدیره می‌باشد

### ب- نحوه اندازه گیری متغیرهای مستقل:

درصدسهام نگهداری شده توسط شرکتهای بیمه، شرکتهای سرمایه گذاری و بانکها= INOW (مالکیت نهادی)  
 درصدسهام نگهداری شده توسط سهامدارانی که بیش از پنج درصد سهام را در اختیار داشته باشند = COOW (تمرکز مالکیت)  
 تعداد اعضای هیات مدیره که در ترکیب هیات مدیره می‌باشند = BSIZE

$$IND = \frac{\text{تعداد مدیران غیر موظف}}{\text{تعداد اعضای هیات مدیره}} \quad (استقلال هیات مدیره)$$

### ج- متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی شامل: تغییر حسابرِس، رشد فروش، اهرم مالی، نسبت سود سهام پرداختی، جریان نقد آزاد، حاشیه فروش می‌باشد.

اگر حسابرِس سال جاری نسبت به سال گذشته تغییر داشته باشد میگوییم تغییر حسابرِس اتفاق افتاده است و با AUCH نشان می‌دهیم.

رشد فروش را با SG نشان می‌دهیم و با فرمول زیر محاسبه می‌گردد:

$$SG = \frac{\text{ما به التفاوت فروش سال جاری و قبل}}{\text{فروش سال قبل}}$$

اهرم مالی را با LEV نشان می‌دهیم و به صورت فرمول زیر محاسبه می‌گردد:

$$LEV = \frac{\text{کل بدهیها}}{\text{کل داراییها}}$$

نسبت سود سهام پرداختی را با DIV نشان می‌دهیم و با فرمول زیر محاسبه می‌گردد:

$$DIV = \frac{\text{سود نقدی پرداخت شده هر سهم}}{\text{سود هر سهم}}$$

جریان نقد آزاد را با FCF نشان می‌دهیم و با فرمول زیر محاسبه می‌گردد:

$$FCF = \frac{\text{سود پرداختی به سهامداران} - \text{هزینه مالیات} - \text{هزینه بهره} - \text{سود عملیاتی قبل از استهلاک}}{\text{داراییهای ابتدای دوره}}$$

حاشیه فروش را با MAR نشان می‌دهیم و با فرمول زیر محاسبه می‌گردد:

$$MAR = \frac{\text{سود خالص}}{\text{فروش}}$$

### د- متغیر وابسته

متغیر وابسته در اینجا REST تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی تنظیم شده است. وقتی تجدید ارائه میشود که یا در یادداشتهای توضیحی نوشته شود یا اینکه در ستون تعدیلات سنواتی داشته باشیم و یا سود خالص پایان سال قبل با سود خالص ابتدای دوره متفاوت باشد.

#### ۵- متغیر تعدیل کننده

در اینجا کیفیت حسابرسی متغیر تعدیل کننده میباشد با AQ نشان میدهم. و اگر سه سال متوالی حسابرسی یک شرکت باشد می‌گوییم حسابرسی باکیفیت میباشد.

#### ۹- یافته‌های تحقیق

##### ۹-۱- آزمون ضریب همبستگی

برای بررسی ارتباط بین متغیرهای پژوهش از آزمون تاوی-بی کندانال استفاده، که نتایج آن در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱- نتایج آزمون ضریب همبستگی

MAR	FCF	DIV	LEV	SG	AUCH	AQ	IND	BSIZE	COOW	INOW	REST	tau-a
											0.4852	REST
										0.998	-0.0004	INOW
									0.999	0.451	-0.041	COOW
								0.028	-0.012	-0.009	-0.002	BSIZE
							0.709	0.001	-0.126	-0.080	0.004	IND
						0.493	-0.012	-0.002	-0.017	-0.019	-0.020	AQ
					0.371	-0.276	0.0005	-0.0006	0.008	0.012	0.016	AUCH
				1.000	-0.019	-0.0496	0.016	-0.0004	0.011	-0.006	-0.004	SG
			1.000	-0.054	-0.0008	0.017	-0.174	-0.010	0.128	0.090	0.013	LEV
		0.988	-0.075	-0.246	-0.006	0.030	-0.003	0.006	0.087	0.120	0.017	DIV
	1.000	-0.273	-0.169	0.425	0.004	-0.033	0.031	0.007	-0.0006	-0.003	0.009	FCF
1.000	0.272	0.102	-0.487	0.140	-0.003	-0.023	0.138	0.007	-0.041	-0.012	0.005	MAR
MAR	FCF	DIV	LEV	SG	AUCH	AQ	IND	BSIZE	COOW	INOW	REST	Probability
											----	REST
											0.9844	INOW
										0.0000	0.0458	COOW
									0.0135	0.0515	0.5680	BSIZE
							0.6758	0.0000	0.0005	0.8289	0.8289	IND
							0.5118	0.6254	-0.4128	0.3428	0.2509	AQ
						0.0000	0.9724	0.8710	0.6398	0.4882	0.2957	AUCH
					0.2882	0.0173	0.4772	0.9217	0.6446	0.8006	0.8394	SG
				0.0248	0.9628	0.3993	0.0000	0.0294	0.0000	0.0002	0.5056	LEV
			0.0017	0.0000	0.7277	0.1492	0.8754	0.2163	0.0003	0.0000	0.4023	DIV
		0.0000	0.0000	0.0000	0.7893	0.1093	0.1700	0.1365	0.9776	0.8720	0.6482	FCF
	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.8424	0.2652	0.0000	0.1485	0.0841	0.6175	0.7798	MAR

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که؛ طح احتمال متغیرهای مالکیت نهادی، مالکیت متمرکز، اندازه هیات مدیره، استقلال هیات مدیره، کیفیت حسابرسی، تغییر حسابرسی، رشد فروش، اهرم مالی، نسبت سود سهام پرداختی، جریان نقد آزاد و حاشیه فروش نشان می‌دهد که بین مالکیت نهادی، اندازه هیات مدیره، استقلال هیات مدیره، کیفیت حسابرسی، تغییر حسابرسی، رشد فروش، اهرم مالی، نسبت سود سهام پرداختی، جریان نقد آزاد و حاشیه فروش با تجدید ارائه صورت‌های مالی ارتباط وجود ندارد و بین مالکیت متمرکز و تجدید ارائه صورت‌های مالی ارتباط وجود دارد.

##### ۹-۲- آزمون فرضیه تحقیق

فرضیه اول: حاکمیت شرکتی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی تاثیر دارد.

مدل مورد استفاده برای بررسی این فرضیه تحقیق عبارتند از:

$$REST = \alpha + \beta_1 INOW + \beta_1 COOW + \beta_1 BSIZE + \beta_1 IND + \beta_2 AUCH + \beta_3 SG + \beta_4 LEV + \beta_5 DIV + \beta_6 FCF + \beta_7 MAR + \epsilon_i$$

نتایج آزمون رگرسیون لاجیت (لجستیک) فرضیه فوق به شرح زیر است:

جدول ۲- نتایج آزمون فرضیه پژوهش

متغیر	ضریب $\beta$	آماره والد	Sig
INOW	-.011	.001	.978
COOW	-.575	2.351	.125
BSIZE	-.095	.057	.811
IND	.171	.181	.671
AUCH	.157	.809	.368
SG	-.159	5.086	.024
LEV	.380	3.728	.054
DIV	.067	1.624	.203
FCF	-.061	1.879	.170
MAR	.132	3.466	.063
A	.455	1.311	.252
آماره کای دو	P-value	Sig(H-L)	ضریب تعیین
14.480	.043	0.3737	.025

در جدول فوق؛ مقدار احتمال آماره هاسمر و لمشو (H-L) در مدل برآورد شده بیشتر از ۵ درصد است؛ بنابراین فرض صفر که بیانگر نیکویی برآزش است، پذیرفته می‌شود (مدل رد نمی‌شود) که حاکی از صحت تعیین مدل است. سطح معنی داری آماره کای دو کمتر از ۵ درصد بوده و کل مدل رگرسیون معنادار است. ضریب تعیین نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل و کنترل وارد شده در رگرسیون توانسته اند حدوداً ۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. سطح معنی داری (Sig) متغیرهای مستقل از سطح خطای مورد پذیرش بیشتر است؛ لذا مالکیت نهادی، مالکیت متمرکز، اندازه هیات مدیره و استقلال هیات مدیره بر تجدید ارائه صورتهای مالی تاثیر ندارد. سطح معنی داری متغیرهای کنترل نشان می‌دهد که تغییر حسابرس، اهرم مالی، نسبت سود سهام پرداختی، جریان نقد آزاد و حاشیه فروش بر تجدید ارائه صورتهای مالی تاثیر ندارد و رشد فروش بر تجدید ارائه صورتهای مالی تاثیر منفی و معنادار دارد.

**فرضیه دوم: کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین حاکمیت و تجدید ارائه صورتهای مالی تاثیر دارد.**

لازم به ذکر است که مدل مورد استفاده برای فرضیه فوق عبارت است از:

$$REST = \alpha + \beta_1 INOW + \beta_1 COOW + \beta_1 BSIZE + \beta_1 IND + \beta_2 AQ + \beta_3 INOW * AQ + \beta_3 COOW * AQ + \beta_3 BSIZE * AQ + \beta_3 IND * AQ + \beta_4 AUCH + \beta_5 SG + \beta_6 LEV + \beta_7 DIV + \beta_8 FCF + \beta_9 MAR + \epsilon_i$$

نتایج آزمون رگرسیون لاجیت (لجستیک) فرضیه فوق به شرح زیر است:

جدول ۳- نتایج آزمون فرضیه پژوهش

متغیر	ضریب $\beta$	آماره والد	Sig
INOW	-.418	.456	.500
COOW	-.121	.044	.834
BSIZE	-.111	.042	.837
IND	.407	.449	.503
AQ	-.811	1.567	.211
INOW * AQ	.827	.975	.323
COOW * AQ	-.814	1.120	.290
BSIZE * AQ	.423	.197	.658
IND * AQ	-.534	.441	.507
AUCH	.048	.045	.833
SG	-.177	6.092	.014
LEV	.398	4.010	.045
DIV	.071	1.867	.172
FCF	-.061	1.806	.179
MAR	.153	4.526	.033
A	.890	2.667	.102



متغیر	ضریب $\beta$	آماره والد	Sig
آماره کای دو	P-value	Sig(H-L)	ضریب تعیین
18.129	.034	0.1188	.032

در جدول ۳؛ مقدار احتمال آماره هاسمر و لمشو (H-L) در مدل فوق، بیانگر نیکویی برازش است. سطح معنی داری آماره کای دو بیانگر معنادار بودن مدل رگرسیون است. ضریب تعیین نشان می دهد که متغیرهای مستقل و کنترل وارد شده در رگرسیون توانسته اند حدوداً ۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. سطح معنی داری (Sig) متغیر کیفیت حسابرسی از سطح خطای مورد پذیرش بیشتر است؛ لذا کیفیت حسابرسی بر تجدید ارائه صورتهای مالی تاثیر ندارد. سطح معنی داری (Sig) متغیر تعامل کیفیت حسابرسی و مالکیت نهادی، مالکیت متمرکز، اندازه هیات مدیره و استقلال هیات مدیره نشان می دهد که کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین حاکمیت شرکتی و تجدید ارائه صورتهای مالی تاثیر ندارد. سطح معنی داری متغیرهای کنترل نشان می دهد که تغییر حسابرس، نسبت سود سهام پرداختی و جریان نقد آزاد بر تجدید ارائه صورتهای مالی تاثیر ندارد و رشد فروش بر تجدید ارائه صورتهای مالی تاثیر منفی و معنادار دارد و اهرم مالی و حاشیه فروش بر تجدید ارائه صورتهای مالی تاثیر مثبت و معنادار دارد.

## ۱۰- بحث

موضوع مورد پژوهش در این مطالعه بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر تجدید ارائه صورت های مالی با تاکید بر کیفیت حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. حاکمیت شرکتی مجموعه روابط حاکم بین سهامداران، مدیران و حسابرسان شرکت است که متضمن برقراری نظام کنترلی به منظور رعایت حقوق سهامداران جزء و اجرای درست مصوبات مجمع و جلوگیری از سوءاستفاده های احتمالی می باشد. این قانون که بر نظام پاسخگوئی و مسئولیت اجتماعی استوار است مجموعه ای از وظایف و مسئولیت هایی است که باید توسط ارکان شرکت صورت گیرد تا موجب پاسخگوئی و شفافیت گردد (دوانی، ۱۳۸۹). در این راستا متغیرهای کنترلی نیز به منظور درک بهتر موضوع به شرح ذیل مورد بررسی قرار می گیرند. متغیر های کنترلی شامل (تغییر حسابرس، نرخ رشد فروش، جریان نقد آزاد، نسبت سود سهام پرداختی، حاشیه فروش و درجه اهرم مالی) در تحقیق پیش رو می باشد. مبانی نظری در مورد تشخیص حاکمیت شرکتی قوی و ضعیف در فصل دوم به تفصیل بیان گردیده است. در بیان نقش اصلی حسابرسی استدلال می شود که حسابرس، استفاده بهتر و قابل اطمینان تر از منابع (اطلاعات) را تضمین می کند. جنسن و مک لینگ (۱۹۷۶) استدلال کردند که یکی از اجزای هزینه های نمایندگی، هزینه نظارت بر مدیران است؛ تحقیقات نشان داده است که به موازات افزایش تضاد منافع بین سهامداران، تقاضا برای حسابرسی و کیفیت حسابرسی نیز افزایش می یابد. (فرانسیس، ۱۹۸۲، ۱؛ چاو ویلسون، ۱۹۸۸). بدیهی است که حسابرس با ایفای نقش ناظر (اعتبار دهنده)، مشکلات نمایندگی را کاهش می دهد، اثر بخشی نقش نظارتی حسابرسی باید در کاهش تجدید ارائه صورتهای مالی شرکت صاحبکار خود را منعکس نماید. (فرناندو و احمد، ۲۰۱۰). نقش دوم حسابرسی، فراهم نمودن محیط اطلاعاتی بهتر است، همچنان که قبلاً ذکر شد یکی از اثرات منفی جدایی مالکیت از مدیریت، به وجود آمدن عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه گذاران و مدیران است، تحقیقات تجربی و نظری نشان داده اند که هر چه کیفیت اطلاعات افزایش یابد تجدید ارائه صورتهای مالی توسط صاحبکار کاهش می یابد. (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴؛ بوستل و همکاران، ۲۰۰۴؛ لوئر و ورچیس، ۲۰۰۵، و مرتون، ۱۹۸۷)، بنابراین نقش اطلاعاتی حسابرسی نشان می دهد که حسابرسی از طریق بهبود کیفیت اطلاعات منجر به کاهش ریسک می گردد و این کاهش ریسک از کاهش در رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت حاصل می گردد. (فرناندو و احمد، ۲۰۱۰). نقش بیمه ای حسابرسی بیان می کند که با انجام حسابرسی، ریسک سرمایه گذاران کاهش می یابد زیرا حسابرس منبع دیگری برای جریان زینهای آنها در صورت ورشکستگی شرکت، می باشد. منون و ویلیامز (۱۹۹۴) استدلال کردند که این عامل بیمه به قیمت سهام صاحبکار مربوط می شود، آنها دریافتند که بین حسابرسی توسط یکی از مؤسسات حسابرسی چهار بزرگ (4 Big) و تجدید ارائه صورتهای مالی یک رابطه منفی معنادار وجود دارد.

با توجه به نتایج حاصله از تحلیل فرضیه های پژوهش، در حالت کلی می توان این گونه بیان نمود که معیارهای حاکمیت شرکتی (مالکیت نهادی، مالکیت متمرکز، اندازه هیات مدیره و استقلال هیات مدیره) بر تجدید ارائه صورتهای مالی شرکت تاثیر ندارند و همچنین کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین معیارهای حاکمیت شرکتی (مالکیت نهادی، مالکیت متمرکز، اندازه هیات مدیره و استقلال هیات مدیره) بر تجدید ارائه صورتهای مالی تاثیر ندارد.

1. Francise, chow and willson
1. Fernando, Ahmad

- در خصوص اهمیت مالکیت نهادی و مالکیت متمرکز (معیار حاکمیت شرکتی) می توان بیان کرد که سهامداران نهادی به عنوان معیاری اثرگذار در بهبود حاکمیت شرکتها و کنترل کننده قوی در نظارت بر به کارگیری اصول حاکمیت شرکتی می باشند. بنابراین انتظار می رود که حضور آنها باعث بهبود حاکمیت، افزایش نظارت های مؤثر بر مدیریت، افزایش ارزش برای سهامداران و در نتیجه منجر به کاهش ارائه صورتهای مالی اشتباه شود و این امر باعث نجات و دوری جستن از سردرگمی تحلیل گران مالی و استفاده کنندگان از ارزیابی مناسب صورتهای مالی می شود. طبق مبانی نظری پژوهش، حاکمیت شرکتی موجب کاهش تجدید ارائه صورتهای مالی می شود و بنابراین مفهوم تجدید ارائه صورتهای مالی با مطرح نمودن نقش بالقوه حاکمیت شرکتی بیشتر اهمیت پیدا می کند. سرمایه گذاران نهادی با نظارت کارآمد خود می توانند کمک شایانی به تجدید ارائه صورتهای مالی شرکت می کنند و در صورت عدم نظارت کارآمد، باعث هرج و مرج شدن اطلاعات مالی شرکتها می گردند. هرچه سطح مالکیت نهادی شرکتها افزایش یابد، عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سایر اشخاص ذینفع کاهش پیدا می کند. در صورت بروز عدم تقارن اطلاعاتی، خللی در نقشه طراحی ساختار حاکمیت شرکتی به وجود آمده و حتی این امر موجب سرنگونی اهمیت حاکمیت شرکتی در سال های متمادی شود و اشتباه هات ناشی از ارائه صورتهای مالی افزایش پیدا می کند. با توجه به اینکه سهامداران نهادی در بازار سرمایه ایران در موقعیتی قرار نمی گیرند که بتوانند وظایف سازمانی خودشان را به خوبی اعمال نمایند، در نتیجه کارهای نظارتی و کنترلی از طرف سهامداران نهادی بر ارائه مجدد صورتهای مالی شرکتها بیشتر اهمیت پیدا نمی کند و آن عامل سبب می شود تاثیرگذاری سهامداران نهادی بر تجدید ارائه صورتهای مالی چندان قابل ملاحظه تصور نشود.

- هیات مدیره مهم ترین عامل در کنترل و نظارت بر مدیریت شرکت و محافظت از منافع سهامداران قلمداد می شود. نتایج بررسی های انجام شده نشان می دهد که هیات مدیره در ارتقای عملکرد و ارزش شرکت و در نتیجه در ارائه مجدد صورتهای مالی نقش با اهمیتی ایفا می کند. از یک طرف هیات مدیره کوچکتر باعث ارتقای عملکرد شرکت می گردد؛ هنگامی که هیات مدیره از تعدادی زیادی از اعضا تشکیل شده باشد، مشکلات نمایندگی و در نتیجه رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت افزایش می یابد؛ زیرا تعدادی از اعضای هیات مدیره ممکن است به عنوان افراد بی منفعت عمل نماید و در نتیجه این امر به تضعیف کیفیت صورتهای مالی بیانجامد. همچنین زمانی که تعداد اعضای هیات مدیره بیش از اندازه باشد، کنترل و نظارت بر مدیرعامل به صورت کارا صورت نمی پذیرد. یک هیات مدیره بیش از اندازه، توانایی ایفای وظایف خود را به نحو احسن از دست می دهد و بیشتر در یک جایگاه سمبولیک قرار می گیرد و در نتیجه اشتباه هات به وجود آمده ناشی از صورتهای مالی قابل چشمگیر خواهد بود. از آنجایی که در بورس اوراق بهادار ایران، تعداد اعضای هیات مدیره نه در جهت ارتقای عملکرد شرکت، بلکه حضور آنها در ترکیب هیات مدیره مدنظر می باشد، بنابراین نمی توان اظهار نمود که تجدید ارائه صورتهای مالی تحت تاثیر آن قرار می گیرد. به عبارتی، هیات مدیره در بازار سرمایه ایران در یک جایگاه سمبولیک قرار دارد و به صورت کارا به وظایف خود برای کاهش مشکلات نمایندگی و در نتیجه در ارائه مجدد صورتهای مالی عمل نمی نماید و این عامل باعث می شود اهمیت اندازه هیات مدیره در بازار سرمایه ایران در ارزیابی تجدید ارائه صورتهای مالی چشمگیر نباشد که نتایج پژوهش نیز بر همین استدلال دلالت دارد.

- حضور مدیران غیرموظف مستقل در هیات مدیره شرکت و عملکرد نظارتی آنها به عنوان افرادی مستقل، به کاهش تضاد منافع موجود میان سهامداران و مدیران شرکت کمک شایانی می کند. یکی از دلایل عدم تاثیرگذاری استقلال هیات مدیره بر تجدید ارائه صورتهای مالی در این پژوهش، عدم آگاهی مدیران غیرموظف از وظایف سازمانی خود می باشد. این مدیران خود را فارغ از مسئولیت پاسخگویی در مقابل نهادهای پاسخ خواه می دانند. لذا وظایف نظارتی خود را به نحو شایسته ای انجام نمی دهند و حضور این مدیران در ترکیب اعضای هیات مدیره جنبه تشریفاتی پیدا نموده است و در نتیجه نمی توانند نقش مؤثری را در امر حاکمیت شرکتها ایفا کنند. از طرف دیگر، عضویت اعضای غیرموظف در هیات مدیره چند شرکت نیز ممکن است از دیگر علل کاهش اثربخشی آن باشد. همچنین مدیر غیرموظفی که تجربه و با دانش لازم جهت تصمیم گیری های استراتژیک شرکت را نداشته باشد، نه تنها معیار کنترلی نیست بلکه باعث اثربخشی هیات مدیره نیز نخواهد شد و این امر مساعدتی به تجدید ارائه صورتهای مالی نخواهد نمود.

- توضیح بر اینکه در حالت کلی تاثیر معیارهای حاکمیت شرکتی بر تجدید ارائه صورتهای مالی حتی مداخله نقش کیفیت حسابرسی در این ارتباط چندان قابل تصور نیست؛ با توجه به مبانی نظری پژوهش، حاکمیت شرکتی موجب کاهش ارائه مجدد صورتهای مالی می گردد. بنابراین حاکمیت شرکتی می تواند نقشی در تبیین تجدید ارائه صورتهای مالی شرکت ایفا نماید و همین طور انتظار می رفت که حاکمیت شرکتی می تواند به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار بر تجدید ارائه صورتهای مالی شرکتها مورد بررسی در این پژوهش باشد. اما مطالب مذکور با نتایج پژوهش تناقض دارد؛ چرا که با توجه به نتایج پژوهش، در بازار بورس اوراق بهادار ایران، تجدید ارائه صورتهای مالی شرکت تحت تاثیر حاکمیت شرکتی قرار نمی گیرد. بنابراین حاکمیت شرکتی در بازار بورس ایران نمی تواند نقش پررنگی در تبیین و توصیف تجدید ارائه صورتهای مالی شرکت ایفا نماید و در نتیجه نمی تواند اهمیت و تاثیرگذاری خودشان را بر تجدید ارائه صورتهای مالی حتی با مطرح نمودن کیفیت حسابرسی نشان دهند. دلیل این امر نشان

دهنده عدم عکس العمل بازار و سرمایه گذاران نسبت به حاکمیت شرکتی می باشد و این موضوع نشان دهنده عدم شناخت کافی سرمایه گذاران و فعالین بازار سرمایه ایران از این مفهوم می باشد. نتایج پژوهش های خارجی متفاوت و مجزا از نتایج انجام شده در کشور ایران می باشد؛ دلیل این امر را می توان شرایط محیطی ایران دانست. به طور کلی می توان بیان کرد که حاکمیت شرکتی در شرکتهای ایرانی، بازارهای سرمایه و محافل علمی، هنوز در ابتدای راه خود است و فاصله ای بسیار با مفهوم حاکمیت، در سایر کشورهای پیش رو دارد. نتایج این پژوهش با یافته های موسوی و همکاران (۱۳۹۳) عدم ارتباط معنادار بین حاکمیت شرکتی و تجدید ارائه صورتهای مالی [همخوانی دارد. به سهامداران، مدیران و سایر ذینفعان شرکتهای پیشنهاد می گردد با اتکاء به نتایج پژوهش های خارجی، از اهمیت بالقوه ساختار حاکمیت شرکتی در تبیین کاهش اشتباهات صورتهای مالی در سال های متمادی غافل نشوند و نسبت به زمان طراحی استراتژی نقشه حاکمیت شرکتی بی تفاوت نباشند؛ چرا که حاکمیت شرکتی می تواند مساعدت و افری به درست ارزیابی شدن صورتهای مالی بکند. پیشنهاد می گردد در مطالعات آتی از سایر معیارهای اندازه گیری حاکمیت شرکتی از دو جنبه مذکور (مالکیت خصوصی، مالکیت شرکتی، مالکیت حقیقی، نفوذ مدیرعامل، دوگانگی وظیفه مدیرعامل، تخصص مالی هیات مدیره، سن هیات مدیره، مدت تصدی عضویت در هیات مدیره، تعداد جلسات هیات مدیره و نوع حسابرس) استفاده، و نتایج آن با یافته های این پژوهش مقایسه شود.

## منابع

۱. آقایی، محمد علی؛ کوچکی، حسن (۱۳۷۴). گمانههایی پیرامون نمایش سود. فصلنامه علمی و پژوهشی بررسی های حسابداری. ۴ (۱۴-۱۵): ۳۲-۴۹.
۲. بولو، قاسم؛ مهام، کیهان؛ گودرزی، اسماعیل (۱۳۸۹). عنوان تغییر حسابرس مستقل و شفافیت اطلاعاتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله علمی دانش حسابداری، ۶ (۱): ۱۱۱-۱۳۵.
۳. حساس یگانه، یحیی؛ آذینفر، کاوه (۱۳۸۹). رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی. نشریه بررسی های حسابداری و حسابرسی. ۱۷ (۶۱): ۸۳-۹۶.
۴. داداشی، ایمان (۱۳۸۸) تاثیر حاکمیت شرکتی بر تصمیمات حسابرسان درباره ریسک و برنامه ریزی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
۵. دوانی، غلامحسین (۱۳۸۸). عقب نشینی مالیاتی تیز خلاص به جامعه حسابداران. نشریه حسابدار.
۶. رهبری خرازی، مهسا. (۱۳۸۴) مطالعه و شناخت وضعیت حاکمیت شرکتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و مقایسه آن با کشورهای جهان "رساله جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
۷. سیناقدس، علی (۱۳۸۷). حاکمیت شرکتی و اصلاح ساختار هیات مدیره. تبذیر، شماره صد و نود پنج.
۸. طالب نیا، قدرت اله؛ رحیمیان، نظام الدین؛ باقری نوبر، مجتبی (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ساز و کارهای حاکمیت شرکتی با میزان ثروت ایجاد شده برای سهامداران. حسابداری مدیریت، ۴ (۴): ۵۳-۶۴.
۹. قنبری، فرحناز (۱۳۸۶). بررسی تاثیر مکانیزم های حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران "رساله جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
۱۰. کردستانی، غلامرضا و دیگران، (۱۳۸۹)، آزمون تجربی اهمیت تعدیلات سنواتی در بازار سرمایه، تحقیقات حسابداری شماره ۸ زمستان ۸۹ صص ۷۳-۶۲
۱۱. موسوی، سیدعلیرضا؛ زارعی، حمید؛ هنربخش، سمیرا (۱۳۹۰). بررسی ارتباط بین خطاهای سود پیش بینی شده توسط مدیریت و ساختار حاکمیت شرکتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. حسابداری مدیریت. ۴ (۳): ۳۵-۴۹
12. Abbott, L., S. Parker and G. Peters 2004. Audit committee characteristics and restatements. *Auditing: A Journal of Practice and Theory* 23 (1): 69-87.
13. Ashbaugh, H. and T. D. Warfield (2003). Audits as a corporate governance mechanism: Evidence from the German market, *Journal of International Accounting Research*, 2: 1-21
14. Copley, P. A., & Douthett, E. B. (2002). The Association between Auditor Choice, Ownership Retained, and Earnings Disclosure by Firms Making Initial Public Offerings\*. *Contemporary Accounting Research*, 19(1), 49-76.
15. DeAngelo, L. (1981), "Auditor Size and Audit Quality", *Journal of Accounting and Economics*, 3, PP. 297-322.
16. Fama, E.F and Jensen, M.C. Auditor change: A joint test of theories relating to agency cost and auditor differentiation. *accounting review*. 1988: 663-683.

17. Fan, P., and T. J. Wong. 2005. "Do External Auditors Perform a Corporate Governance Role in Emerging Markets? Evidence from East Asia." *Journal of Accounting Research* 43 (1): 35-72.
18. Ferguson, A., & Stokes, D. (2002). Brand name audit pricing, industry specialization, and leadership premiums post-big 8 and big 6 mergers. *Contemporary Accounting Research*, 19 (1), 77-110.
19. Johl, C. A., Jubb, K. Houghton, A (2007), "Earnings management and the audit opinion: evidence from Malaysia", *Managerial Auditing Journal*, Vol. 22 Iss 7 pp. 688 - 715 <http://dx.doi.org/10.1108/02686900710772591>
20. La Porta, R., F. Lopez-de-Silanes, and A. Shleifer. 1999. "Corporate Ownership around the World." *Journal of Finance* 54 (2): 471-517.
21. Liu, G., Sun, J. (2005). Director tenure and independent audit committee effectiveness. *International Research Journal of Finance and Economics* 51:176-189
22. Rotenstein, A 2011. Corporate Governance Changes Following Earning Restatements *The Journal of Applied Business Research*, 27:123-140
23. Sharma, V. D. (2004) Board of Director Characteristics, Institutional Ownership, and Fraud: Evidence from Australia. *AUDITING: A Journal of Practice & Theory*: September 2004, Vol. 23, No. 2, pp. 105-117.
24. Srinivasan, S. 2005. Consequences of financial reporting failure for outside directors: Evidence from accounting restatements and audit committee members. *Journal of Accounting Research* 43 (2): 291-334.

